

## منظور مقررین از ابلاغ اظهارنامه بصادر کننده چک بی محل

### چه بوده و چگونه عمل شده است؟

بموجب ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی تنها راه احراز سوء نیت صادر کننده چک بی محل ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه باوست و در قانون چکهای بی محل مصوب بهمن ماه ۱۳۳۷ فقط در دو مورد با ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه اشاره شده است یکی در ماده ۷ قانون مزبور که اگر صادر کننده چک بی محل در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه بمنظور پرداخت وجه چک رفع اشتباه یا تأمین محل ننماید دارنده چک میتواند تقاضای صدور اجرائیه کند و دیگری در ماده ۷ که اگر بهر یک از علل مذکور در بند الف و جیم و دال (۱) ماده ۳ بانکها از پرداخت وجه چک خودداری نمایند و صادر کننده چک بی محل در ظرف ده روز پس از رؤیت اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه وجه چک را نپردازد سوء نیتش محرز و عمل او مشمول بند ب از ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر همگانی میشود.

بنابراین غرض مقررین از ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه اتمام حجتی است بصاحب دارنده چک بی محل قبل از طرح شکایت از طرف دارنده چک مزبور نزد مقامات صالحه دادگستری نه بعد از طرح و اقامه شکایت زیرا معنی ندارد که صادر کننده چک بی محل بر اثر شکایت دارنده چک بدادگستری احضار شود و در نتیجه عدم تودیع وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی بزندان روانه گردد و پرونده بصورت کیفرخواست منتهی شود و صادر کننده چک با همه این احوال وجه چک را نپردازد و یا قراری برای پرداخت وجه آن ندهد و معذک گفته شود چون اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه بنام او ارسال و باو ابلاغ نشده است در اصدار چک بی محل سوء نیت نداشته است!

بر طبق ماده ۷ قانون چکهای بی محل غرض از ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه رفع اشتباه یا تأمین محل از طرف صادر کننده چک بی محل در ظرف ده روز از تاریخ رؤیت اظهارنامه است؛ آیا اقامه شکایت از طرف دارنده چک بی محل در دادگستری و حضور صادر کننده چک مزبور در شعبه بازپرسی و اعلام باو که با اتهام اصدار چک بی محل تحت تعقیب قرار گرفته است و خودداری و یا عجز او از پرداخت وجه چک با اقرار باینکه چک صحیحاً صادر شده است و دادن تأمین وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی و یا زندانی شدن او در نتیجه

۱ - بند الف - بلا محل بودن چک اعم از اینکه در تاریخ صدور محل نداشته یا بعداً وجه آن کشیده شده باشد و یا کمتر از وجه چک محل داشته باشد.

بند ج - صادر کننده چک دستور عدم پرداخت آنرا بیانک داده باشد.

بند د - عدم مطابقت امضای چک با امضای صادر کننده یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف بین مندرجات چک یا سایر اشتباهات که موجب عدم پرداخت چک گردد.

عدم تودیع وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی برای احراز سوء نیت او کافی نیست و نباید این اقدامات بقدر ابلاغ یک اظهار نامه اثر و ارزش قانونی داشته باشد؟ و آیا ابلاغ اظهارنامه بصادرکننده چک بی محل بعد از طرح شکایت در دادگستری و خودداری او از پرداخت وجه چک در سوه قانونی یا ندادن قراری برای پرداخت وجه آن ( در صورت صدور چک بموجب ماده ۳۱۰ قانون تجارت ) برای احراز سوء نیت وی تحصیل حاصل نمی باشد؟

وقتی غرض مقنن از ابلاغ اظهارنامه این باشد که قبل از طرح شکایت بصادرکننده چک بی محل بوسیله ابلاغ اظهارنامه برای رفع اشتباه یا تأمین محل اتمام حجت شود ابلاغ اظهارنامه بعد از طرح شکایت خواه صادرکننده چک بی محل در نتیجه شکایتی که از او شده زندانی یا آزاد باشد کاری عبث و ناقض غرض مقنن باید تلقی شود.

عجب در اینجاست از صادرکننده چک بی محل که هنوز بداد گستری احضار نشده است و پس از رؤیت اظهارنامه در محیط آزاد با وسائلی که در اختیار دارد ممکن است رفع اشتباه یا تأمین محل کند و معذک در ظرف ده روز پس از رؤیت اظهارنامه وجه چک را نمی پردازد انتظار دارند که پس از زندانی شدن و رؤیت اظهارنامه در داخل زندان محل چک را در بانک تأمین کند و اگر نکرد سوء نیت او محرز شود! و عجیب تر اینکه اگر برای صادرکننده چک بی محل قبل از طرح شکایت و زندانی شدن اظهارنامه ارسال نشد بفرض صدور کیفرخواست سوء نیت او محرز نمی شود ولی اگر پس از طرح شکایت و زندانی شدن در داخل زندان اظهارنامه باو ابلاغ شد و در ظرف ده روز وجه چک را نپرداخت سوء نیتش محرز میشود!

نتیجه ابلاغ اظهارنامه برای احراز سوء نیت صادرکنندگان چک بی محل خصوصاً بعد از طرح شکایت در دادگستری و قبل از صدور کیفرخواست این شده که دادگاهها در تعیین کیفر درباره صادرکنندگان چک بی محل برطبق ماده ۳۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی در صورت تعدد بزه دچار اشکال میشوند بدین توضیح که اگر مثلاً شخصی دو فقره چک بی محل هر یک بمبلغ پانصد ریال و جمعاً بمبلغ یکهزار ریال صادر کند و با ابلاغ شدن اظهارنامه در زندان یا خارج از زندان بمشارالیه در فرجه قانونی وجه چکها را نپردازد برطبق بند ب از ماده ۳۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی سوء نیت او محرز و حداقل بدو فقره شش ماه حبس تأدیبی و پرداخت مبلغ یکصد و بیست و پنج ریال بعنوان جزای نقدی معادل ربع وجه چک در صورت رعایت کیفیات مخففه محکوم میشود ولی اگر همان شخص مثلاً دو بیست فقره چک بی محل هر یک بمبلغ ده هزار ریال و جمعاً بمبلغ دو میلیون ریال صادر کند و دیناری هم در بانک موجودی نداشته باشد و اظهارنامه ای بوی ابلاغ نشود فقط به پرداخت مبلغ یکهزار ریال جزای نقدی معادل عشر وجه یکی از چکها محکوم میشود و نقص قانون چکهای بی محل و ماده ۳۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی از این مثالی که زده شد بخوبی آشکار میشود.

بعقیده اینجانب اگر بنا باشد که در قانون چکهای بی محل تجدید نظر شود باید شرط ابلاغ اظهارنامه را برای احراز سوء نیت صادرکننده چک بی محل از بین برد و دست قاضی را در تعیین کیفر به تناسب مبلغ چک بی محل باز گذاشت. بدین معنی که هر قدر مبلغ چک بی محل یا جمع مبالغ چکهای بی محل زیادتر باشد قاضی بتواند مجازات شدیدتری درباره صادرکننده چک یا چکهای بی محل تعیین کند.